

و ۲۰۴ کلاسهای تکمیلی و مدارس ابتدائی برای تدریس مقدمات تجارتي وجود داشته است. در هر شهر نیز اطاقهای تجارتي و اتحادیه اصناف و بورسهای مشاغل با بلديه ها در تاسيس مؤسسات مختلفه برای تدریس معلومات تجارتي رقابت کرده و ۵۶ مؤسسه ایجاد شده بود و باز هم دارند توسعه می دهند. در رأس مؤسسات فوق الذکر دارالمعلمین تعلیمات فنی قرار دارد که بموجب تصویبنامه مورخه ۲۶ اکتبر ۱۹۱۲ دولت فرانسه (برای تربیت معلمین آئیه مدارس عملي و صنعتی مربوط بوزارت تجارتي و صنایع) تاسيس یافته است. دیگر (مدرسه آزاد علوم سیاسی) است که قونسولها و نمایندگان و مامورین تجارتي فرانسه را در خارجه تهیه می نماید. بعلاوه نظر معطف توجه بیشتری که از بعد از جنگ پیدا شده با کمال جدیت در صدد هستند که بر عده مدارس و کلاسهای تجارتي چه در پاریس و چه در سایر نقاط فرانسه افزوده و کلاسها و مدارس مخصوص هم برای تربیت و تدریس دخترها و تهیه آنها بجهت خدمات تجارتي دائر ساخته اند که از آن جمله است: مدرسه عملی تعلیمات عالیة تجارتي برای دختران جوان ...

آزادی تعلیم

ترجمه نطق ویکتور هوگو در ژانویه ۱۸۵۰
برضد قانون فالو. این قانون را فالو وزیر
معارف وقت بجهت حزب دست راست که
جزء عمده آنرا کشیشان تشکیل میدادند پیشنهاد
مجلس ملی نموده است.

حزبیکه این قانون را نوشته با لا اقل طرح نموده است حزبیکه
در آن واحد خاموش و مشتغل میباشد خلاصه حزب کشیشان را مخاطب
قرار داده میگویم:

این قانون قانون شهاست صدق مطلب اینستکه من بشما اعتماد ندارم
تعلیم و تربیت درست بمنزله آدم سازی است و من از هر چه ساخت شما
باشد احتراز میکنیم (آفرین - بسیار خوب)

من میل ندارم تعلیم جوانان روح کودکان اذهان تازه ای که برای زندگی منبسط و شکفته میشود عقل نسل جدید و بعبارۀ اخری آینده فرانسه را بشما بسپارم زیرا اینکار مثل اینست که آتیۀ فرانسه را بشما بخشیده باشم (هیجان)

بعقیده من کافی نیست که نسل های جدید فقط دنبال ما بیایند بازماندگان ما باید فرزندان خلف و زنده کنندۀ ما باشند باین علت است که من تسلط و حتی نفوذ جزئی شما را بر آنها جائز نمیشمارم من میل ندارم آنچه اسلاف ما رشته اند شما ینبه کنید پس از آهمه شرافت و افتخار بختلجت و سر افکندگی تن در نیدم (هیجان طولانی)

قانون شما قانونیست که نقاب بر چهره دارد (آفرین) چیزی را میگوئید و امر دیگری را قصه میکنید نقشۀ اسارتی است که باسم آزادی طرح شده است توقیف و ضبطی است که صورت هبه و بخشش بخود گرفته است من هر گز باین امر راضی نخواهم شد (نخسین در طرف چپ) ما شما را میشناسیم ما خوب کشیشان را میشناسیم این حزب کهن سال خدمتها کرده است (خندۀ حضار) این حزب است که دیانت صحیح را برای خود احتکار کرده و دیگران را از آن محروم داشته است (خندۀ حضار) این حزب است که در مقابل حقیقت جهل و اشتباه کاری را دو حامی بزرگ خود قرار داده است این حزب است که افکار مردم را در همان اصول عقاید محصور و محدود نموده و مانع است از اینکه علم و هوش بشر از کتب دعا قدمی فراتر گذارد

هر قدمی که هوش و ذکاوت در اروپا بر داشته است علی رغم این حزب بوده تاریخ این حزب در تاریخ ترقی بشر نوشته شده است منتهی معکوساً، این حزب همه چیز ضداست (خندۀ حضار)

این خوب است که « برینلی » را برای اینکه گفته بود ستاره سقوط نمیکند واداشت کتمک زدند، این خوب است که « کامیانلا » را

بیست و هفت مرتبه بحاکمه و عقوبت کشید بعلمت اینکه اجرام سماوی را نامحدود دانسته و از اینراه اندکی بسرّ خلقت راه یافته بود، این حزب است که «هارو» را شکنجه نمود بسبب اینکه قائل بدوران خون در بدن شده بود. این حزب بنام یوشع کاليله را زندان انداخت بنام بولس کریستف کلب را محبوس ساخت (بروز احساسات) یافتن قوانین هیئت بی دینی محسوب میشد کشف امریکا کفر میبود. این حزب بود که «باسکال» را بنام مذهب «موتانی» را بنام اخلاق و «مولیر» را بنام مذهب و اخلاق تکفیر کرد. بالاخره هرکه باشد گو که خودا حزب کاتولیک بخوانید و حال آنکه جز حزب کشیشان نمیشود بشما اسمی داد ما شمارا میشناسیم. اکنون مدتی است هوش بشر بر علیه شما قیام نموده از شما میپرسد چه از جان او میخواهید مدتی است که شما سعی دارید سرپوشی بر عقل انسان بگذارید. شما می خواهید تعلیمات را در دست بگیرید در صورتیکه هیچ شاعر هیچ نویسنده هیچ فیلسوف هیچ متفکری را قبول نداشته و کلیه تحریرات، اکتشافات، تصورات و اختراعات نوانی یعنی سرمایه گرانهای تمدن میراث کهن نسلها متروکات هوش و ذکاء نوع بشر را مردود می دانید. اگر مغز انسان مانند صفحات کتاب در تحت نظر و اختیار شما گذاشته شده بود بر آن همه خط بطلان می کشیدند (بله البته) اقرار کنید بله شما ازرم آمده اید تبریک و رورو عرض می کنم شما در آنجا بیسرفتم کاملی داشته اید (خنده و آفرین از سمت چپ) شما تازه از خفه کردن فکر مردم رم فراغت یافته و اینک قصد جلوگیری از فکر فرانسویها را دارید بسیار خوب ولی اینها کمی فریب دهند و شرور هستند ملتغیب خود باشید فرانسه شیری است کاملاً هوشیار شما با که طرف هستید؟ جواب را خود میگویم. شما با فکر بشر طرف هستید برای اینکه روشن و منبسط شده است بله مطلب همین است آنچه اسباب درد سر برای شما شده و شما را آزار میرساند همین روشنائی

است که فرانسه از سه قرن باین طرف از خود ظاهر ساخته است
روشنائی که کاملاً از عقل ناشی شده است روشنائی که امروز بیش از هر
وقت درخشندگی و تلالو دارد روشنائی که ملت فرانسه را ملت منورالفکر
معرفی نموده بقسمی که نور معرفت فرانسه امروز از جبهه تمام مردم
عالم نمودار میباشد (بروز احساسات) شما میخواهید این روشنی فکر این
روشنی آزاد یعنی روشنی ازرم نیامده و از جانب خداست این چراغ
هدایت را بهر ترتیبی که هست خاموش کنید (بله بله - آفرین در
سمت چپ) ولی ما مانع هستیم

من قانون شما را رد میکنم من قانون شما را دور میاندازم زیرا
که این قانون میخواهد تعلیمات ابتدائی را منع کند تعلیمات متوسطه را
تنزل دهد علم را پست و مملکت را کوچک و حقیر نماید. این قانون را
رد میکنم زیرا من از اشخاصی هستم که هر زمان و بهر علت بفرانسه
وهن وثامه وارد شود جراحت درد ناک و فشار سختی بر قلب خود
احساس نموده و خجل و شرمسار میشوم خواه سلب اراضی مملکت
باشد چنانکه معاهده وینه (۱۸۱۵) کرد خواه پست کردن قوای
روحی ملت چنانکه قانون شما میخواهد بنماید (دست زدن و آفرین در
دست راست)

سید علی شایگان

رئیس جامعه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
در فوآند خاموشی

سعدی

وقار است و نااهل را برده پوش
وگر جاهلی برده خود مدر
که هرگه که خواهی توان نمود
بکوشش نشاید نهان باز کرد
دواب از توبه گر نگوئی صواب

ترا خاموشی ای خداوند هوش
اگر عالی هیت خود مبر
تو سر دل خویش منمائی زود
ولیکن چو پیدا شود راز مرد
بنطق آدمی بهتر است از دواب